گزارش یک

نشست عبث شورای امنیت درباره ایران

تهران، مسکو و پکن برگزاری نشست درباره برنامه هسته‌ای ایران را بی اعتبار خواندند

در حالی که کشورهای غربی با برگزاری نشست شورای امنیت تلاش کردند ایران را ناقض تعهدات هسته‌ای نشان داده و فرایند غنی‌سازی این کشور را تهدیدی جدی برای صلح جهانی معرفی کنند، موضع تند سایر اعضا باعث شد فضای جلسه به شدت پرتنش شود. نماینده روسیه با حمایت صریح از مواضع ایران، با اشاره به پایان مهلت قانونی قطعنامه ۲۲۳۱، بر بی‌اعتباری این نشست تأکید کرد و گفت که شورای امنیت هیچ صلاحیت و مشروعیتی برای بررسی این پرونده ندارد. با این حال، اروپایی‌ها که صحنه‌گردانی نشست را برعهده داشتند، با ادعای لزوم حل مسئله از طریق دیپلماسی، خواستار بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران شدند؛ خواسته‌ای که تهران به طور قاطع رد می‌کند.

پس از ماه‌ها مواضع و اظهارات تهدیدآمیز، این‌بار کشورهای غربی از بستر شورای امنیت سازمان ملل وارد عمل شدند تا نگرانی‌ها و ادعاهای خود درباره برنامه هسته‌ای ایران را تکرار کنند. بر همین اساس، شورای امنیت شامگاه سه‌شنبه به درخواست امریکا و شرکایش نشستی را با هدف بررسی پرونده هسته‌ای ایران برگزار کرد.

امیرسعید ایروانی، سفیر ایران در سازمان ملل در نشست شورای امنیت گفت: «ایران همچنان کاملاً به دیپلماسی اصولی و مذاکرات واقعی متعهد است و اکنون این وظیفه فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده است که مسیر خود را تغییر دهند و گام‌های عملی و معتبری برای بازسازی اعتماد و اطمینان بردارند.» نماینده ایران همچنین تأکید کرد، ایران به مفاد اصلی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ پایبند است؛ توافقی که هدف آن جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای بود و بر اساس آن ایران برنامه هسته‌ای خود را محدود کرده و تحریم‌ها لغو شد.

امریکا که همواره خود را در جایگاه طرف حق‌به‌جانب در برابر ایران نشان می‌دهد، این‌بار نیز کوشید چنین القا کند که این تهران بوده که مسیر دیپلماسی را مسدود کرده و روند تعاملات سیاسی را از بین برده است. مورگان اورتگاس، معاون نمایندگی امریکا در سازمان ملل در نشست شورای امنیت گفت: «واشینگتن آماده مذاکرات رسمی است، اما تنها در صورتی که تهران برای گفت‌وگوی مستقیم و معنادار آماده باشد.» اورتگاس افزود: «ترامپ در هر دو دوره ریاست‌جمهوری خود «دست دیپلماسی» را به سوی ایران دراز کرده است. او خطاب به ایروانی گفت: «شما به جای گرفتن دست دیپلماسی، همچنان دست خود را در آتش می‌گذارید». اورتگاس در ادامه تأکید کرد که هیچ‌گونه غنی‌سازی مواد هسته‌ای در داخل ایران قابل‌قبول نیست، موضوعی که یکی از اصلی‌ترین نقاط اختلاف است. ایروانی در پاسخ گفت: «اصرار امریکا بر «غنی‌سازی صفر» برخلاف حقوق ایران ذیل توافق ۲۰۱۵ است و نشان می‌دهد، واشینگتن به دنبال مذاکرات منصفانه نیست. اگر فرانسه و بریتانیا همچنان در کنار امریکا بایستند، دیپلماسی عملاً نابود خواهد شد. ایران در برابر هیچ فشار و ارعابی سر خم نخواهد کرد.»

موضع تند روسیه و حمایتی چین

جلسه شورای امنیت به غیر از دو طرف اصلی ماجرا، به صحنه تقابل بین نمایندگان سایر کشورها نیز کشیده شد. جی دارمادیکاری، معاون نماینده فرانسه در این نشست موضعی خصمانه در قبال تهران اتخاذ کرد و مدعی شد: «شورای امنیت همچنان می‌تواند مسئله هسته‌ای ایران را بررسی کند؛ ما فشاری به ایران اعمال نمی‌کنیم و با حسن‌نیت خواستار گفت‌وگو هستیم.» این مقام فرانسوی با ادعای عدم اجرای تعهدات ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای‌اش، آن را تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانست و مدعی شد که اگر غنی‌سازی در ایران به سطوح نظامی برسد، ذخایر این کشور به اندازه‌ای خواهد بود که برای تولید ۱۰ وسیله انفجاری هسته‌ای کافی باشد.

واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه به‌خوبی پاسخ نماینده فرانسه را داد و تأکید کرد: «شما به‌شدت شکست خوردید و این شکست خیلی افتضاح بود و خودتان هم آن را می‌دانید.» وی افزود: «کمیته برجام دیگر وجود ندارد. بنابراین، اتحادیه اروپا دیگر هماهنگ‌کننده نیست و نباید اجازه داشته باشد که شورای امنیت سازمان ملل را در جریان امور قرار دهد.»

نبنزیا در این نشست نماینده اسلوونی و رئیس دوره‌ای این نهاد را نکوهش کرد و گفت که اقدام او در خصوص تشکیل نشستی که زمان قطعنامه مرتبط با آن (قطعنامه ۲۲۳۱) تمام شده و وجود ندارد، به نوعی تقلیل جایگاه این شورا است. نبنزیا گفت: «موضوع هسته‌ای ایران در دستور کار شورای امنیت قرار ندارد و مهلت قطعنامه ۲۲۳۱ تمام شده است. هرگونه تلاش برای تحت‌الشعاع قرار دادن فعالیت‌های این شورا از سوی اروپا و امریکا را نمی‌پذیرد و آن را سیاسی کاری می‌داند. ایران بارها آمادگی خود را برای رایزنی‌های منصفانه اعلام کرده است. از همه می‌خواهیم از اتخاذ رویکردهای تنش‌آفرین دست بردارند.»

مهلت ده‌ساله قطعنامه ۲۲۳۱ در ۲۸ مهرماه به پایان رسیده و به همین دلیل، روسیه و چین بارها تأکید کرده‌اند که پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت خارج شده است. بر این اساس، کشورهای غربی دیگر نمی‌توانند از مسیر این نهاد امنیتی، سیاست‌ها و خواسته‌های خود را به تهران تحمیل کنند. حتی این دو متحد ایران نیز بر این باورند که روند فعال‌سازی سازوکار موسوم به اسنپ‌بک غیرقانونی است و اعلام کرده‌اند که از آن تبعیت نخواهند کرد. واشینگتن و هم‌پیمانانش مدعی هستند که پرونده هسته‌ای ایران همچنان در چارچوب شورای امنیت باز است و هر زمان که اراده کنند می‌توانند از این بستر حقوقی و سیاسی برای پیشبرد سیاست‌ها و اهداف خود استفاده کنند.

نماینده چین هم در نشست سه‌شنبه شب ضمن انتقاد از عملکرد امریکا و اروپا در عمل به تعهدات‌شان ذیل برجام گفت: «راه‌حل سیاسی تنها راهکار است و نباید هرگز از تقابل استفاده شود. باید به دیپلماسی و گفت‌وگو بازگشت. امریکا نیز باید از تنش‌آفرینی جلوگیری کند و به مذاکره با ایران روی آورد.» همچنین نماینده پاکستان در این نشست گفت: «موضع ما بدون تغییر است، باید از دیپلماسی و گفت‌وگو در خصوص برنامه هسته‌ای ایران استفاده شود. معتقدیم که تمهیدات تهدیدآمیز روند کنونی را پیچیده می‌کند و تحریم‌ها به مردم آسیب می‌زند. پاکستان به خودداری از تقابل و اتخاذ رویه دیپلماتیک توصیه می‌کند. باید روح برجام را دوباره زنده کرد و رویه آشتی‌جویانه را برای حل مسئله مورد استفاده قرار داد.»

وبگاه سازمان ملل نیز به اختلافات بین اعضای شورای امنیت درباره موضوع هسته‌ای ایران اشاره کرد. «رزماری دیکارلو» معاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی و صلح‌سازی در پایان جلسه شورای امنیت گفت: «با وجود تلاش‌های دیپلماتیک فشرده در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ هیچ توافقی در مورد مسیر پیش رو در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران حاصل نشد.»

تلاش برای بازگرداندن بازرسان آژانس

با توجه به اینکه کشورهای غربی از زمان جنگ ۱۲ روزه در بی‌اطلاعی کامل از جزئیات فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سر می‌برند، این موضوع نیز در نشست شورای امنیت مطرح شد. نماینده انگلیس در شورای امنیت بدون اشاره به خیانت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط موضوع هسته‌ای ایران و نشست اطلاعاتی این نهاد برای اشغالگران صهیونیست ادعا کرد: «ابتدا بر لزوم دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی ایران تمرکز خواهم کرد! سپس، بر تعهد مداوم ما به یک راه‌حل دیپلماتیک و سوم، بر لزوم رعایت کامل قطعنامه‌های شورای امنیت توسط همه کشورهای عضو. همانطور که امروز گزارش شده است، ایران بیش از شش ماه است که دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محدود کرده است، از جمله در سایت‌هایی که بیشترین نگرانی را در مورد گسترش سلاح‌های هسته‌ای دارند. محدودیت‌های ایران به این معنی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قادر به تأیید محل ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران نیست. از ایران می‌خواهیم که محدودیت‌های خود را لغو کرده و مطابق با تعهدات قانونی خود تحت پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل داشته باشد. لندن همچنان به یک راه‌حل دیپلماتیک برای رسیدگی به نگرانی‌های بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران متعهد است.»

کشورهای غربی می‌کوشند به هر شکل ممکن زمینه بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران را فراهم کنند تا از وضعیت تأسیسات هسته‌ای کشور که بخش‌هایی از آن در حملات امریکا و اسرائیل آسیب دیده، بازدید به عمل آورند. با این حال، جمهوری اسلامی تاکنون مجوز چنین اقدامی را صادر نکرده است. از نگاه تهران، آژانسی که این حملات را محکوم نکرده و در عمل همسو با سیاست‌های عبری - غربی رفتار کرده، صلاحیت و مشروعیت لازم برای بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران را ندارد.

نمای نزدیک

حمایت تمام‌قد روسیه و چین از ونزوئلا

سه شنبه شب در ادامه نشست مربوط به بررسی برنامه هسته‌ای ایران، جلسه‌ای دیگر با محوریت تحولات ونزوئلا برگزار شد که آن نیز به مناقشه و درگیری لفظی میان مقامات روسی و طرف‌های غربی منجر شد. به گزارش اسپوتنیک، در این نشست مایک والتز، نماینده امریکا در اظهاراتی دولت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا را «نامشروع» خواند و او را «فراری از عدالت امریکا»، رهبر کارتل مواد مخدر «کارتل د لوس سولس» و مسئول قاچاق گسترده مواد مخدر به امریکا و اروپا دانست. در این میان «ساموئل مونکادا» نماینده ونزوئلا این اتهامات را رد و تأکید کرد که «تهدید واقعی نه ونزوئلا، بلکه دولت امریکا است». مونکادا گفت: «تهدید واقعی نه از سوی ونزوئلا، بلکه از دولت فعلی ایالات متحده است که به دنبال تغییر رژیم برای کنترل منابع طبیعی ماست.» واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه نیز اظهار داشت: «روسیه قاطعانه توقیف نفتکش‌ها و محاصره دریایی توسط نیروهای امریکایی را محکوم می‌کند. این اقدامات غیرقانونی تنش‌ها را تشدید کرده و صلح منطقه‌ای و بین‌المللی را تهدید می‌کند.» نبنزیا حمایت کامل مسکو از رهبری و مردم ونزوئلا را اعلام و ایالات متحده را به دخالت در امور داخلی کشورها متهم کرد. نماینده روسیه تأکید کرد که امریکا مسئول پیامدهای فاجعه‌بار این رفتار علیه ونزوئلاست و این سیاست شبیه رفتار «گاوچران‌ها» و قانون‌گریزی است. فو کونگ، نماینده چین نیز «توقیف خودسرانه» نفتکش‌های ونزوئلایی توسط امریکا را محکوم کرد و آن را نقض قوانین بین‌المللی دانست.

چالش

اسرائیل: اول خلع سلاح حماس بعد مرحله دوم آتش‌بس

حماس: خلع سلاح یعنی بلعیده شدن مقاومت

رژیم صهیونیستی انتقال به مرحله دوم توافق غزه را به خلع سلاح حماس مشروط کرده، چیزی که رهبران حماس به صراحت آن را رد می‌کنند. «اسامه حمدان»، از رهبران حماس در گفت‌وگو با «المسیره» با تأکید کرد: سلاح مقاومت، سلاحی مشروع است و مادامی که اشغالگری ادامه دارد، این سلاح نیز وجود خواهد داشت.

به گزارش ایسنا، روزنامه معاریو به نقل از یک منبع سیاسی عبری گزارش کرد که ما هرگز از خط زرد در غزه قبل از خلع سلاح حماس حتی اگر نیروی بین‌المللی تشکیل شده باشد، عقب‌نشینی نخواهیم کرد. در حالی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی یک‌شنبه بعد به امریکا می‌رود، منابع آگاه می‌گویند که اسرائیل انتقال به مرحله دوم طرح «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور امریکا درباره غزه را به خلع سلاح حماس مشروط کرده است. معاریو به نقل از یک منبع اسرائیلی نوشت که نیروهای بین‌المللی در غزه قادر به خلع سلاح مقاومت فلسطین نیستند و هرکس تصور می‌کند که یک قدرت بین‌المللی قادر است حماس را با زور خلع سلاح کند، در توهم است. تل آویو معتقد است بدون خلع‌سلاح واقعی حماس، ایده نیروهای بین‌المللی به ثمر نخواهد نشست.

«اسامه حمدان»، از رهبران جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، در گفت‌وگو با «المسیره» در موضعی که احتمالاً واکنش به گزارش‌های منتشر شده در سرزمین‌های اشغالی است، بار دیگر درباره تحویل سلاح مقاومت تأکید کرد: سلاح مقاومت، سلاحی مشروع است و مادامی که اشغالگری ادامه دارد، این سلاح نیز وجود خواهد داشت. وی با اشاره به نقش امریکا اظهار داشت: امریکا به‌دنبال تحمیل پروژه هژمونی خود بر منطقه است و در این مسیر، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان ستون اصلی این طرح در نظر گرفته است. این مقام حماس افزود: بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، به‌خوبی آگاه است که هسته اصلی پروژه امریکایی، خلع سلاح منطقه به گونه‌ای است که هیچ سلاحی جز سلاح اسرائیل باقی نماند؛ مسئله‌ای که مستقیماً در خدمت تحقق آنچه «اسرائیل بزرگ» نامیده می‌شود، قرار دارد. حمدان با هشدار نسبت به پیامدهای این رویکرد تصریح کرد: خلع سلاح مقاومت به معنای گشودن دروازه‌ها برای بلعیده‌شدن بخش گسترده‌ای از اراضی امت اسلامی است و در نهایت، رژیم صهیونیستی را به مالک انحصاری سلاح در منطقه تبدیل خواهد کرد. همزمان، «باسم نعیم»، عضو دفتر سیاسی حماس هم در مصاحبه با روزنامه «فلسطین» تأکید کرد که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند از ورود به مرحله دوم توافق جلوگیری کند، زیرا این مرحله آنها را ملزم به عقب‌نشینی کامل، بازگشایی گذرگاه‌ها و آغاز روند بازسازی و بهبود می‌کند. به گفته باسم نعیم، رژیم صهیونیستی همچنان به نقض همه بندهای مربوط به مرحله اول توافق ادامه می‌دهد، در اجرای تعهدات خود طفره می‌رود و از ورود به مرحله دوم جلوگیری می‌کند.

رژیم صهیونیستی دیروز نیز با نقض آتش‌بس در غزه، اقدام به انجام حملات زمینی و هوایی و توپخانه‌ای به این منطقه کرد. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی دو حمله هوایی به مناطق شرقی محله التفاح در شرق شهر غزه انجام دادند و همزمان، مناطق شرقی خان‌یونس و شهر رفح در جنوب نوار غزه نیز مورد حمله قرار گرفت. خودروهای نظامی رژیم صهیونیستی نیز به جنوب شرقی شهر خان‌یونس واقع در جنوب نوار غزه به‌شدت تیراندازی کردند.

گزارش ۲

جنگ طرح‌ها برای صلح در اوکراین

زلنسکی هم با همکاری اروپایی‌ها طرح صلح داد

رئیس‌جمهور اوکراین هم برای پایان جنگ میان کشورش با روسیه، طرح صلح داد، طرح صلحی ۲۰ماده‌ای که ولودیمیر زلنسکی آن را با هماهنگی اروپایی‌ها تهیه کرده ولی ظاهراً از حمایت امریکا هم برخوردار است. این طرح، نه تنها متفاوت، بلکه متعارض با طرح صلح ترامپ است. اگر سه ضمیمه طرح ترامپ را هم در نظر بگیریم که «متیو ویتاکر» نماینده امریکا در ناتو از آن صحبت کرده، حالا با احتساب طرح صلح جدید زلنسکی، پنج سند برای مذاکره درباره صلح روی میز است؛ تازه اگر این طرح اخیر، ضمیمه‌ای نداشته باشد.

جنگ اوکراین در شرایطی وارد چهارمین سال خود شده که میدان نبرد فقط به خطوط تماس نظامی محدود نمانده و حالا «جنگ طرح‌ها» برای صلح هم به موازات جنگ میدانی جریان دارد. انتشار جزئیات طرح ۲۰ماده‌ای زلنسکی، این واقعیت را برجسته کرده که نه‌تنها میان کی‌یف و مسکو شکاف عمیقی وجود دارد، بلکه در اردوگاه غرب نیز اجماعی روشن بر سر مسیر پایان جنگ شکل نگرفته است. طرح جدید اوکراین، که به گفته زلنسکی حاصل هماهنگی نزدیک با امریکا و اروپا است، تلاشی است برای تثبیت دستاوردهای حداقلی کی‌یف و جلوگیری از تحمیل راه‌حلی که از نگاه اوکراین بیش از حد به خواسته‌های روسیه نزدیک باشد. این طرح بر چند محور کلیدی استوار است: تأیید مجدد حاکمیت اوکراین، تضمین‌های امنیتی «هم‌سطح ناتو» بدون عضویت رسمی، حفظ ارتش اوکراین با ۸۰۰هزار نیرو، پیوند ساختاری با اتحادیه اروپا، باقی ماندن اوکراین به عنوان یک کشور غیرهسته‌ای و بسته‌ای گسترده برای بازسازی اقتصادی. زلنسکی صراحتاً اعلام کرده که این تضمین‌ها قرار است جای خالی عضویت در ناتو را پر کند؛ موضوعی که همواره یکی از خطوط قرمز مسکو بوده و در عین حال، در طرح‌های پیشنهادی ترامپ یا نسخه‌های اولیه امریکایی، یا کم‌رنگ شده یا به‌طور ضمنی کنار گذاشته شده بود.

امنیت بدون ناتو، صلح بدون واگذاری

بر اساس توضیحات زلنسکی، نسخه ۲۰ماده‌ای جدید اگرچه خطوط تماس فعلی را به‌عنوان واقعیت میدانی می‌پذیرد، اما از به‌رسمیت شناختن حقوقی واگذاری سرزمین‌ها پرهیز می‌کند. در مناطق دونتسک، لوهانسک، زاپروژیا و خرسون، خط استقرار نیروها در لحظه امضای توافق به‌عنوان خط تماس دوفاکتو تعریف می‌شود، اما هرگونه تغییر دائمی در وضعیت ارضی، منوط به توافقات بعدی و حتی همه‌پرسی در داخل اوکراین است. این بند، نقطه افتراق اصلی با طرح اولیه ترامپ محسوب می‌شود که در نسخه‌های پیشین، از نگاه اوکراین و اروپا، بیش از حد به تثبیت دستاوردهای سرزمینی روسیه تمایل داشت.

زلنسکی درباره جزئیات نسخه جدید توافق گفته است: «در مناطق لوهانسک و دونتسک، زاپروژیا و خرسون، خط استقرار نیروها در لحظه امضای این توافق، به‌عنوان خط حائل دوفاکتو به رسمیت شناخته می‌شود.» او درباره سرنوشت شرق دونباس هم گفت که «منطقه آزاد اقتصادی» یکی از گزینه‌های ممکن است. طرح زلنسکی در عین حال انعطاف‌هایی را نیز نشان می‌دهد؛ از جمله پذیرش ایده مناطق غیرنظامی یا حتی مناطق آزاد اقتصادی در بخش‌هایی از شرق، از جمله اطراف نیروگاه هسته‌ای زاپروژیا. با این حال، رئیس‌جمهور اوکراین تأکید کرده که مدیریت این نیروگاه نمی‌تواند به‌طور یکجانبه در اختیار روسیه باشد و نظارت مشترک با مشارکت امریکا و اوکراین را شرط اصلی می‌داند. این رویکرد، تلاشی آشکار برای حفظ توازن میان واقعیت‌های میدانی و خطوط قرمز سیاسی کی‌یف است. زلنسکی خود اذعان کرده که همه مواد این طرح برای او «رضایت‌بخش» نیستند؛ نقل قولی که نشان می‌دهد سند جدید هم، محصول مصالحه است، نه ترجمان کامل خواسته‌های اوکراین. همزمان، عقب‌نشینی نیروهای اوکراینی از شهر سیورسک در شرق دونتسک و تشدید فشار روسیه بر این جبهه، موقعیت کی‌یف را در مذاکرات شکننده‌تر کرده است.

۳ نگاه متفاوت به یک صلح

البته طرح صلح ۲۸ماده‌ای منتسب به دونالد ترامپ، همچنان محل مناقشه است. زلنسکی و متحدان اروپایی‌اش پیش‌تر گفته بودند که نسخه اولیه این طرح، بیش از آنکه صلحی متوازن باشد، چارچوبی برای توقف جنگ به نفع روسیه است. کاهش سقف نیروهای اوکراینی، ابهام در تضمین‌های امنیتی و تأکید بر ترتیبات سرزمینی، از جمله نقاط اختلاف اصلی است. مقام‌های امریکایی، از جمله متیو ویتاکر، اکنون از وجود چهار سند در حال مذاکره سخن می‌گویند. به گزارش تاس، ویتاکر روز چهارشنبه گفت: «هم‌اکنون چهار سندروی میز است، یک طرح صلح ۲۰ماده‌ای، همراه با ضمانت‌های امنیتی چندجانبه، تضمین‌های امنیتی ویژه امریکا و طرح رشد و رفاه اقتصادی پس از صلح»، تعددی که نشان‌دهنده نبود یک مسیر واحد است. این مقام امریکایی همچنین افزود: «همه اینها به صورت لحظه‌ای در حال مذاکره هستند. من فکر می‌کنم ما در حال حاضر درک خوبی از آنچه اوکراین می‌خواهد انجام دهد، داریم.»

اروپایی‌ها نیز اگرچه در ظاهر از طرح جدید زلنسکی حمایت می‌کنند، اما نگرانی‌های خاص خود را دارند. مسئله استقرار احتمالی نیروهای اروپایی در چارچوب تضمین‌های امنیتی، موضوعی است که هم در داخل اروپا محل اختلاف است و هم از سوی روسیه به‌شدت رد می‌شود. افزون بر این، گزارش‌ها درباره ناپدید شدن صدها هزار سلاح در اوکراین، نگرانی‌های امنیتی جدی برای دوره پساجنگ ایجاد کرده و بهانه‌ای تازه به دست منتقدان حمایت بی‌قیدوشرط از کی‌یف داده است.

موضع روسیه اما، همچنان محتاطانه باقی مانده است. دیمیتری پسکوف تأکید کرده که «پارامترهای اصلی» موضع مسکو برای امریکا روشن است و گفت‌وگو از طریق رسانه‌ها را نامناسب دانسته است.

کرملین پیش‌تر هشدار داده که طرح‌های پیشنهادی غرب، به‌ویژه آنهایی که به حضور نظامی اروپا یا حفظ توان نظامی بالای اوکراین منجر شود، صلح نمی‌آورد بلکه زمینه درگیری‌های آینده را فراهم می‌کند.

اخبار کوتاه

العامری: خلع سلاح حشدالشعبی با خروج امریکا انجام می‌شود

دبیرکل سازمان بدر عراق تأکید کرد خلع سلاح گروه‌های مقاومت با پایان مأموریت ائتلاف بین‌المللی و تحقق حاکمیت ملی مرتبط است. هادی العامری گفت: خلع سلاح یک تصمیم عراقی است و ما مخالف این هستیم که توسط یک طرف خارجی انجام شود. مرجعیت دینی بر انحصار سلاح در دست دولت تأکید دارد و ما نیز به این مسئله ایمان داریم. به گزارش المعلومه، العامری گفت: خلع سلاح با پایان مأموریت ائتلاف بین‌المللی و تحقق حاکمیت ملی مرتبط است. وی اضافه کرد: انحلال حشدالشعبی شایعه است و ما آن را قبول نخواهیم کرد. العامری در مورد تشکیل دولت بعدی تأکید کرد که «اولین جلسه پارلمان علنی نیست و اطمینان بالایی برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب رئیس‌جمهور وجود دارد.» وی اشاره کرد که «دولت بعدی برای همه اقشار خواهد بود و موفقیت آن موفقیتی برای همه عراقی‌ها است.»

لاوروف: روسیه متعهد به تمامیت ارضی سوریه است

«سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه در دیدار با «اسعد الشیبانی» وزیر خارجه سوریه اعلام کرد که روسیه به حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه متعهد است و روابط خود با دمشق را بر پایه‌هایی که پیش‌تر بنا شده، توسعه خواهد داد. لاوروف با اشاره به دیدار ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه با الشیبانی گفت: «رئیس‌جمهور و وزیر خارجه سوریه در این دیدار درباره مسائل دوجانبه و تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند و این مذاکرات مثبت و سازنده بود.» به گفته وی، طرف سوری نیز در این گفت‌وگوها آمادگی خود را برای تقویت همکاری‌ها با روسیه اعلام کرده است. اسعد الشیبانی در این نشست تأکید کرد که روابط سوریه و روسیه وارد مرحله‌ای جدید شده و سال جاری میلادی را می‌توان آغاز خروج سوریه از جنگی دانست که ۱۴ سال به طول انجامیده است. وی افزود: دمشق به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و امیدواریم طرف روسی در این مسیر به ما کمک کند.

سنگاه

احسان شیخون

تل آویو از سایه‌ها می‌ترسد!

تحولات اخیر در شرق مدیترانه و غرب آسیا بار دیگر نشان داده است که رژیم اسرائیل، به جای بازنگری در سیاست‌های امنیتی پرهزینه و تقابلی خود، ترجیح می‌دهد تهدیدها را بیرونی‌سازی کند و مسئولیت بی‌ثباتی فزاینده منطقه را بر دوش بازیگران دیگر بیندازد. در این چارچوب، ترکیه به تدریج در گفتمان امنیتی و رسانه‌ای اسرائیل به‌عنوان تهدید نوظهور بازتعریف می‌شود. تهدیدی که نه تنها به نفوذ آنکارا در سوریه و مواضعش در قبال غزه مربوط است، بلکه حالا با ادعاهایی درباره تلاش ترکیه برای ایفای نقش در لبنان نیز پیوند خورده است. همزمانی این تصویرسازی با نشست‌های امنیتی اسرائیل با یونان و قبرس، بیش از آنکه بیانگر نگرانی واقعی از ترکیه باشد، بازتابی از بحران راهبردی عمیق‌تری است که تل آویو با آن دست‌به‌گریبان است. برای نمونه نشست اخیر اسرائیل با یونان و قبرس را باید در بستر یک ائتلاف‌سازی تدافعی تحلیل کرد. ائتلافی که هدف اصلی آن مهار ژئوپلیتیکی ترکیه و بازتولید موازنه‌ای است که در سال‌های اخیر به طور محسوسی به زیان اسرائیل تغییر کرده است. این همکاری سه‌جانبه، که پیش‌تر با محوریت انرژی، خطوط لوله و امنیت دریایی تعریف می‌شد، اکنون به‌سمت یک قالب امنیتی و سیاسی صریح‌تر حرکت کرده است. اما نکته قابل توجه اینجاست که اسرائیل در این فرآیند، عامدانه نقش سیاست‌های تهاجمی خود را در ایجاد این فضا نادیده می‌گیرد و ترجیح می‌دهد ترکیه را به عنوان عامل بی‌ثباتی معرفی کند.

در نظرسنجی‌ها و ارزیابی‌های امنیتی اخیر اسرائیل، ترکیه نیز به عنوان تهدید بالقوه معرفی می‌شود. این تصویرسازی، به‌ویژه در شرایطی که رژیم صهیونیستی همچنان درگیر جنگ فرسایشی در غزه است و با بحران مشروعیت بین‌المللی روبه‌روست، کارکردی دوگانه دارد. از یک‌سو افکار عمومی داخلی را از ناکامی‌های نظامی و سیاسی منحرف می‌کند و از سوی دیگر، زمینه را برای جلب حمایت بیشتر متحدان غربی و منطقه‌ای فراهم می‌سازد. با این حال، این روایت‌سازی بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت‌های میدانی باشد، بر پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک و ترس‌های راهبردی استوار است. نفوذ ترکیه در سوریه، که یکی از محورهای اصلی نگرانی اسرائیل عنوان می‌شود، در اصل نتیجه خلأ قدرت و فروپاشی نظم دولتی در این کشور است. وضعیتی که اسرائیل، خود با حملات مکرر هوایی و نقض حاکمیت سوریه در تشدید آن نقش داشته است. ترکیه، با اهداف امنیتی و ژئوپلیتیکی مشخص، در شمال سوریه حضور دارد و تلاش می‌کند از شکل‌گیری تهدیدات مستقیم علیه مرزهای خود جلوگیری کند. اما اسرائیل، به جای پذیرش این واقعیت پیچیده، ترجیح می‌دهد حضور ترکیه را در قالب یک پروژه توسعه‌طلبانه تفسیر کند. تفسیری که بیشتر بازتاب نگرانی از کاهش انحصار عمل اسرائیل در معادلات سوریه است. در مورد غزه، موضع ترکیه آشکارا انتقادی و در حمایت از فلسطینیان بوده است. آنکارا، چه در سطح سیاسی و چه در عرصه دیپلماتیک، جنگ اسرائیل علیه غزه را محکوم کرده و خواستار توقف آن شده است. واکنش تند به این مواضع، بیش از آنکه ناشی از تهدید عملی باشد، ریشه در ناتوانی تل‌آویو در تحمل هرگونه چالش اخلاقی و حقوقی نسبت به سیاست‌هایش دارد. اسرائیل، که سال‌ها از مصونیت سیاسی در برابر انتقادات بین‌المللی برخوردار بوده، اکنون هر صدای مخالفی را به عنوان تهدید امنیتی بازتعریف می‌کند، حتی اگر این صدا از سوی یک دولت عضو ناتو باشد.

ادعای تلاش ترکیه برای نفوذ در لبنان نیز در همین چارچوب قابل‌فهم است. لبنان، به واسطه بحران اقتصادی، فروپاشی نهادی و فشارهای خارجی، به عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. اسرائیل، که خود سابقه‌ای طولانی در مداخله نظامی و امنیتی در لبنان دارد، اکنون نسبت به هرگونه حضور یا نفوذ بازیگر دیگری حساسیت نشان می‌دهد. طرح این ادعاها درباره ترکیه، بدون ارائه شواهد روشن، بیشتر به یک تاکتیک پیش‌دستانه برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات احتمالی آینده اسرائیل شباهت دارد تا یک تحلیل واقع‌گرایانه. نکته کلیدی در این میان، تناقض آشکار در رفتار اسرائیلی‌هاست. تل آویو از یک‌سو خود را قربانی تهدیدات منطقه‌ای معرفی می‌کند و از سوی دیگر، با گسترش همکاری‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی با بازیگران مختلف، عملاً به تشدید قطب‌بندی‌ها دامن می‌زند. نشست با یونان و قبرس، در حالی که تنش‌های تاریخی این دو کشور با ترکیه همچنان حل‌نشده باقی مانده، نه‌تنها به کاهش تنش کمکی نمی‌کند، بلکه پیام روشنی از جانب اسرائیل مخابره می‌کند؛ ترجیح تقابل بر گفت‌وگو.

از منظر راهبردی، رژیم اسرائیل در حال اشتباه گرفتن نشانه‌هاست. ترکیه نه به‌دنبال درگیری مستقیم با اسرائیل است و نه ظرفیت یا تمایلی برای ورود به یک تقابل نظامی گسترده دارد. اختلافات میان دو طرف، هرچند عمیق و ایدئولوژیک، عمدتاً در سطح سیاسی و دیپلماتیک باقی مانده است. اما اصرار اسرائیل بر امنیتی‌سازی این اختلافات، خطر خود تحقق‌بخشی تهدید را افزایش می‌دهد؛ مسیری که در نهایت می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر شرق مدیترانه منجر شود. در نهایت، آنچه امروز به عنوان تهدید ترکیه در گفتمان صهیونیستی برجسته می‌شود، بیش از آنکه بازتاب قدرت فزاینده آنکارا باشد، نشانه‌ای از بحران اعتمادبه‌نفس راهبردی در تل‌آویو است. اسرائیل، که زمانی خود را بازیگر بلامنازع امنیتی منطقه می‌دانست، اکنون با واقعیتی چندقطبی روبه‌روست. واقعیتی که در آن، دیگر نمی‌تواند بدون هزینه به سیاست‌های یکجانبه و نظامی گرایانه خود ادامه دهد. اسرائیل ترجیح می‌دهد با برجسته‌سازی تهدیدهای بیرونی، از پاسخگویی به ریشه‌های بحران بگریزد.